

## جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری

زینب محمدپور\*

### چکیده

قدرت روزافزون روسیه و انگلستان در ایران و ضعف شاهان قاجار در مقابل زیاده خواهی‌های این دو کشور، موجب شد دولت‌مردان ایران برای جلوگیری از هرگونه رویارویی نظامی که می‌توانست پیامدهای جبران ناپذیری چون عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای در پی داشته باشد، درصدد برآیند تا راه گریزی از بن بست سیاسی موجود بیابند. ارتباط دیپلماتیک با نیروی سوم، گزینه‌ای بود که از همان دوران جنگ‌های ایران و روسیه در زمان فتحعلی شاه با ایجاد ارتباط با فرانسه آغاز شد. تجربه ناموفقی که سایر شاهان قاجار نیز بدان توجه کردند و با انگیزه کاستن فشار دولت‌های روسیه و انگلیس، خطر تجربه دوباره آن را پذیرفتند.

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه جهت نیل به این هدف، دولت تازه تأسیس و جوان آمریکا با پیشنهاد میرزاتقی خان امیرکبیر که پیش‌بینی می‌کرد این کشور یکی از قدرتهای جهان در آینده خواهد شد، مورد توجه قرار گرفته، برقراری روابط با آمریکا اصل اولیه سیاست خارجی ایران شد. بررسی تاریخ روابط ایران و آمریکا و انتخاب این کشور به عنوان نیروی سوم در سیاست خارجی ایران در دوران سلطنت ناصرالدین شاه از یک سو، و انگیزه‌های متقابل دولت آمریکا در ایجاد ارتباط با ایران از سوی دیگر، موضوع اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد که با استفاده از روش تحقیق تاریخی با شیوه توصیفی - تحلیلی بر اساس منابع و مآخذ کتابخانه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. واژه‌های کلیدی: روابط ایران و آمریکا، نیروی سوم، امیرکبیر، عصر ناصری.

\* کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه الزهراء. (mohammadpour.zeynab@yahoo.com)  
تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۱۵ - تاریخ تأیید: ۹۲/۰۴/۱۸

## مقدمه

موقعیت جغرافیایی ایران، از دید استعمارگران انگلیسی که بر هندوستان تسلط داشتند، این کشور را چون همسایه جنوبی می‌نمود. از این رو، تا پیش از کشف نفت در ایران که عملاً موجب تغییر سیاست‌های انگلستان تا نفوذ کامل بر تمام جوانب سیاسی و اقتصادی ایران شد، موقعیت این کشور را به عنوان دیوار دفاعی هندوستان در معرض سیاست‌های مداخله جویانه دولت‌مردان انگلستان قرار داده بود. با این محوریت که از طریق نفوذ در نظام حکومت بی‌تجربه قاجار، معابر نفوذ روسیه یا فرانسه را از مسیر ایران مسدود نماید. در این صورت تضعیف ایران می‌توانست مانع نفوذ هر کشور دیگری در حوزه متصرفات انگلستان باشد. از سویی دیگر، روسیه هم با هدف عبور از ایران به بهانه دستیابی به آب‌های گرم، همچنین دست درازی به متصرفات شرقی بریتانیا، در خیال نفوذ در ایران بود. بدیهی است این شرایط رقابت‌آمیز توسعه طلبانه کشورهای روسیه و انگلستان، شرایط ملتهب اجتماعی و سیاسی غیر قابل‌کنترلی بر دولت‌مردان ایرانی وارد می‌کرد.

با فشارهای زیاده‌خواهانه و فزاینده دولت‌های مذکور که در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند، شاهان قاجاری که در خود توان مقابله نظامی با این دو دولت را نمی‌دیدند، بر آن شدند تا برای برون رفت از این تنگنا، درصدد یافتن راه‌گریز دیگری باشند که کمترین هزینه‌های سیاسی را در پی داشته باشد. نتیجه این چاره‌جویی‌ها، اساس سیاست خارجی ایران دوره ناصری را تشکیل داد، که از آن به عنوان بهره‌برداری از نیروی سوم یاد می‌شود. سابقه استفاده از این روش دیپلماتیک نیز به جنگ‌های ایران و روس در زمان فتحعلی شاه باز می‌گردد که به همین منظور با دولت فرانسه وارد مذاکره شدند، اما پیش از گرفتن نتیجه، به دلیل انعقاد عهدنامه تیلیست که بین فرانسه و روسیه بسته شد، این کشور همکاری با ایران را به فراموشی سپرد و عملاً استفاده از نیروی سوم به عنوان عامل بازدارنده در برابر حملات روسیه ناکام ماند.

همین دغدغه‌ها با روی کار آمدن ناصرالدین شاه و ادامه سیاست‌های مداخله جویانه دولت‌های روسیه و انگلیس موجب شد صدراعظم شاه تازه به سلطنت رسیده قاجار یعنی محمدتقی خان امیرکبیر، درصدد برآید در ادامه اقدامات اصلاحی خود در امور مملکت از جمله ایجاد ارتباط دیپلماتیک و تاسیس سفارتخانه در کشورهای مختلف، زمینه ایجاد همکاری‌های مشترک مفصل‌تر و عمیق‌تری با دولت آمریکا که در مجموعه کشورهای غربی مطرح آن روز فاقد سوابق منفی و استعماری بود فراهم نماید. انجام این امر به تحول

## جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری ۶۵

ساختاری در برنامه‌های سیاست خارجی ایران دوره ناصری منجر شد که نه تنها دست دوستی ایران را به سوی دولت آمریکا دراز کرد، بلکه در بلند مدت و در راستای سایر اقدامات این دوره به استفاده و به کارگیری عناصر کشورهای دیگر جدای از دول روس و انگلیس منجر شد. هدف اصلی از پیگیری این مواضع نیز با سه اصل زیر مدنظر اولیای دولت بود که توسط دولت‌مردان قاجار به عنوان برنامه سیاست خارجی دنبال می‌شد:

۱. ایجاد تعادل در رقابت بریتانیا و روسیه در ایران،
۲. پیگیری سیاست پیوستگی با دولت‌های نیرومند اروپایی،
۳. سیاست قدرت سوم.

### پیشینه پژوهش

پیرامون روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا در دوره‌های مختلف، پژوهش‌هایی چند انجام شده است. ولی نوشته‌ای به صورت مستقل، درباره این روابط در دوران ناصری که نخستین ارتباط ایران با آمریکای شمالی رقم خورد، صورت نگرفته است. این پژوهش تنها به بررسی ضرورت‌های این رابطه و چگونگی شکل‌گیری آن، هم از جنبه فرهنگی و هم از جنبه سیاسی پرداخته است. از کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده‌اند - همان‌گونه که گفته شد به بررسی مستقلی در این دوره نپرداخته‌اند - می‌توان به کتاب *تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا* نوشته رحیم رضازاده ملک و کتاب *تاریخ روابط خارجی ایران* نوشته عبدالرضا هوشنگ مهدوی اشاره کرد.

### پیشینه روابط ایران و آمریکا

اولین رگه‌های تمایل ایرانیان به شناخت از آمریکا به دوران فتحعلی شاه بازمی‌گردد، که به نقل از آثار آن روزگار روایات جالبی را در بر می‌گیرد. چنان‌که در سفرنامه مشهور جیمز موریه به نام *حاجی بابا / صفت‌هایی*<sup>۱</sup> از میزان اطلاعات فتحعلی شاه درباره کشورهای متحده آمریکا آمده است: «پس از بستن عهدنامه،<sup>۲</sup> فتحعلی شاه ما را به حضور پذیرفت و

۱. جیمز موریه همراه سفیر انگلیس سر هارفورد جونز Jonsir Hard Ford در ۱۸۰۸م/ ۱۲۲۳ق به ایران آمد. وی در سفرنامه خود با طنزی انتقاد گونه از خلیقات ایرانیان و آداب و رسوم رو به زوال ایشان در عهد فتحعلی شاه قاجار سخن گفته است. برای اطلاعات بیشتر نک: جیمز موریه، (۱۳۸۶)، *سفرنامه جیمز موریه*، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، صص ۲۵۰-۲۰۰.

۲. سر هاردفورد جونز مستقیماً از دربار انگلیس به ایران فرستاده شد و در ۱۸۰۸م مطابق با ۱۲۲۳ ق قراردادی با ایران امضا کرد که به موجب آن ایران انصراف خود را از اتحاد با فرانسه اعلام داشت. نک:

مهربانی‌های زیاد کرد و به من خلعت داد. بعد از آن پرسید: می‌گویند مملکتی است آمریکا، و این چگونه است و چطور بدان سفر می‌کنند؟ آیا این مملکت زیر کره زمین است؟». <sup>۱</sup>سِر هارفورد جونز سفیر کبیر انگلستان نیز می‌نویسد: «شاه ایران عجیب اصرار می‌کرد که بفهمد چگونه می‌توان با کندن زمین به ینگگی دنیا رسید و وقتی من این تصور کودکانه او را نفی کردم بسیار عصبانی شد و گفت سفیر عثمانی در تهران برایش قسم خورده است که اگر به اندازه دویست ذرع چاه در کف زمین بکنیم می‌توانیم از آن عبور کرده به ینگگی دنیا برسیم». <sup>۲</sup>

اولین سفیر دربار ایران، میرزا ابوالحسن خان ایلچی، <sup>۳</sup> نیز اولین سیاستمدار ایرانی بود که در هنگام ماموریت خود به قاره آمریکا رفت و در حالی که همراه سفیر کبیر انگلیس سِر گور اوزلی Sir Gore Ouseley و جیمز موریه در ۱۸۱۲م در ماموریت بود، کاملاً اتفاقی و طی یک حادثه دریایی به ریودوژانیرو در برزیل رسید. <sup>۴</sup>

به هر حال آگاهی ایرانیان از ایالات متحده آمریکا ناقص و منحصر به متون قدیمی چون *تحفه العالم* بود. این کتاب در هند توسط عبداللطیف شوشتری در ۱۲۱۶ق نوشته شد، که در کتابش اطلاعاتی از کشف آمریکا توسط کریستف کلمب داده بود. <sup>۵</sup> میرزا محمد صالح کازرونی شیرازی <sup>۶</sup> که از محصلان اعزامی به انگلستان بود <sup>۷</sup> در سفرنامه خود

گرت واتسن، (۱۳۴۷)، *تاریخ ایران در دوره قاجاریه*، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: سیمرغ، ص ۳۷؛ سِر هارفورد جونز، (۱۳۶۸)، *سفرنامه جونز*، ترجمه مانی صالحی، تهران: ثالث، ص ۱۴.

۱. *سفرنامه جیمز موریه*، ج ۱، صص ۲۴۹-۲۴۸؛ علی اکبر بینا، (۱۳۴۸)، *تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران (از معاهده ترکمنچای تا عهدنامه صلح پاریس)*، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ص ۱۳۵ و همچنین مجله وزارت امور خارجه، ش ۱، ص ۶۵.

۲. اسکندر دلد، (۱۳۶۷)، *حاجی واثنگتن*، تهران: گلفام، ص ۱۰؛ *تاریخ ایران در دوره قاجاریه*، ص ۱۸۶.  
۳. میرزا ابوالحسن خان ایلچی ملقب به ایلچی کبیر در ابتدا مورد خشم فتحعلی شاه قرار گرفت. ولی در ۱۲۲۳ق با وساطت انگلیس بخشوده شد و با سمت ایلچی مخصوص ایران به همراه جیمز موریه عازم لندن شد. اسماعیل رائین، (۱۳۶۲)، *حقوق بگیران انگلیس در ایران*، تهران: جاویدان، صص ۲۰-۱۷.

۴. لسان‌الملک سپهر، (۱۳۲۷)، *ناسخ‌التواریخ*، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران: امیرکبیر، ص ۲۰۹.  
۵. رحیم رضازاده ملک، (۱۳۶۳)، *تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا*، تهران: طهوری، ص ۳۲؛ عبداللطیف شوشتری، (۱۳۶۳)، *تحفه‌العالم*، تهران: طهوری، صص ۲۱۰-۲۰۹.

۶. میرزا محمد صالح کازرونی شیرازی جزو اولین و بهترین محصلان ایرانی بود که اولین دستگاه چاپ را در ایران به کار انداخت و به عنوان سفیر مخصوص عباس میرزا برای مذاکره با پاسکیویچ به تفلیس رفت. نک: علی اصغر شمیم، (۱۳۴۷)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: مدبر، ص ۹۹.

۷. عباس میرزا شاهزاده خوشفکر قاجاری و پسر دوم فتحعلی شاه قاجار بود که تحت نظر آقا محمد خان قاجار در تهران و به دور از پدر پرورش یافت. پس از به سلطنت رسیدن فتحعلی شاه، عباس میرزای

جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری ۶۷

اطلاعاتی از آمریکا بیان کرده است.<sup>۱</sup> میرزا محمدعلی پسر ملارضا محلاتی معروف به حاجی سیاح نیز از اولین مسافرانی بود که در ۱۲۷۵ق به آمریکا رفت و شرح سفر خود را در کتاب سیاحت نامه خارجه نوشت. حاجی میرزا محمدعلی معین السلطنه هم مسافر دیگری بود که در ۱۳۱۰ق به آمریکا سفر کرد.

چنان که پیشتر اشاره شد، در سال‌های اول حکومت ناصرالدین شاه و با پیشنهاد امیرکبیر، ارتباط سیاسی با آمریکا مدنظر دولت‌مردان قرار گرفت؛ در حالی که تا پیش از این ارتباطات اندک بود و منحصر به روابط محدود تجاری به صورت غیرمستقیم<sup>۲</sup> و ارتباطات مذهبی در قالب حضور معدود مسیونرهای مسیحی می‌شد.<sup>۳</sup>

### مسیون‌های مذهبی و اولین ارتباطات فرهنگی

پیش از سلطنت ناصرالدین شاه و در دوران حکومت محمد شاه، در ۱۸۳۲م، مجلس ایالات متحده آمریکا تصویب کرد که یک هیأت مذهبی به ریاست مریک<sup>۴</sup> به ایران بیاورد. مریک به همراه دو کشیش آلمانی عازم ایران شد و به شهرهای شیراز، اصفهان و تهران رفت. او وضعیت اصفهان را برای تبلیغ مناسب‌تر دید. در همین سال دو نفر دیگر به نام‌های اسمیت<sup>۵</sup> و دوایت<sup>۶</sup> به ارومیه رفتند و بین آسوری‌ها به تبلیغ پرداختند. کمی بعد جاستین

---

ولیعهد در دستگاه قائم مقام و در دارالسلطنه تبریز مستقر شد. او فرمانده جنگ‌های ایران و روس بود. نک: امینه پاکروان، (۱۳۷۶)، عباس میرزا و فتحعلی شاه، ترجمه صفیه روحی، تهران: چشمه، ص ۳۰؛ سفرنامه جونز، ص ۱۸۷؛ پی‌یر ژوبر، (۱۳۴۷)، مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، صص ۱۳۸-۱۳۶.

۱. تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا، صص ۳۵-۴۰؛ میرزا محمد صالح کازرونی شیرازی، (۱۳۴۷)، سفرنامه میرزا صالح شیرازی، به کوشش اسماعیل رائین، تهران: روزن، صص ۳۶۳-۳۷۰.

۲. زمانی که آمریکا درگیر جنگ‌های داخلی بود، پنبه ایران در بازارهای دنیا عرضه شد و پیشرفت خوبی هم نمود اما ادامه نیافت. همچنین خالص‌ترین نوع تریاک ایران به لندن فرستاده می‌شد و مرفین آن به آمریکا می‌رفت و البته کمتر خانواده مرفهی در آمریکا زندگی می‌کرد که در فکر خرید فرش ایرانی نباشد. نک: جرج ناتانیل کُرزن، (۱۳۵۰)، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه وحید مازندرانی تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، صص ۶۳۲، ۵۹۷، ۵۹۲.

۳. تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا، ص ۸۸.

۴. J. L. Merrick، مریم میراحمدی، (۱۳۶۸)، پژوهشی در تاریخ معاصر ایران، مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۷۵.

5. Smith

6. Dwight

پرکینز<sup>۱</sup> و دکتر آساهل گرانت<sup>۲</sup> به ارومیه اعزام شدند. این مسیونرها به ترجمه‌ی کتب و تأسیس چاپخانه همت گمارده،<sup>۳</sup> مدرسه‌ای نیز در مرکز اقامت معلمان آمریکایی تأسیس کردند<sup>۴</sup> که علاوه بر تدریس موارد علمی، به کودکان، آهنگری و قالی‌بافی آموزش می‌دادند.<sup>۵</sup>

مسیونرها ابتدا بدون توجه به اختلافات پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها به تبلیغ مسیحیت پرداختند، اما به محض این که وضعیتشان تثبیت شد، سعی کردند مسیحیان کاتولیک آذربایجان را به طریقت پروتستان بکشانند. پرکینز برای حفظ هیأت و مدرسه آمریکایی از تعرض عیسویان کاتولیک از ملک قاسم میرزا، عموی محمدشاه خواست فرمانی مبنی بر حمایت محمدشاه از عیسویان پروتستانی آمریکایی بگیرد. محمدشاه نیز در ۱۲۵۵ق، فرمانی مبنی بر حمایت از ایشان در برابر کاتولیک‌های متعصب ارومیه صادر کرد،<sup>۶</sup> و از آنان خواست علم تاریخ، جغرافی، هندسه و حساب را بیش از پیش به جوانان بیاموزند.<sup>۷</sup> در دوره ناصرالدین شاه، فعالیت میسیون‌های مذهبی شکلی دیگر به خود گرفت؛ فعالیت این گروه‌ها به پایتخت نزدیک، و از محدوده شهرهای اصفهان و ارومیه فراتر رفت. پزشکان گروه‌های میسیون آمریکائی که به ثبت دیده‌ها و تجربیات خود در ایران پرداختند، درباره وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران ابراز عقیده نموده و حتی راه‌حل‌هایی پیشنهاد کردند. جان ویشارد از پزشکان این هیأت‌های مذهبی در عهد ناصرالدین شاه در ایران، طی بررسی مقایسه‌ای شهر زادگاهش در آمریکا با تهران می‌نویسد در حالی که تهران تنها پانزده طبیب رسمی دارد، شهر او پانصد طبیب دارد. همچنین به مسایل بهداشتی اشاره می‌کند و یادآور می‌شود ایران که از اولین سرزمین‌های دارای فاضلاب و لوله‌کشی است، در این عهد حتی یک متر فاضلاب هم ندارد و آب کثیف باعث شیوع وبا و تب حصبه دائمی شده است.<sup>۸</sup>

1. Jastin Perkins
2. Asahel Grant

۳. همان، ص ۵۳-۵۱.

۴. جان ویشارد، (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین، ص ۱۲۹.

۵. عبدالحسین نوایی، (۱۳۶۴)، *تاریخ ایران و جهان*، ج ۲، تهران: هما، ص ۴۴۱.

۶. *تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا*، ص ۵۳.

۷. *تاریخ ایران و جهان*، ج ۲، ص ۴۴۰.

۸. *بیست سال در ایران*، ص ۲۲۸.

جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری ۶۹

با این‌که ویشارد اشاره می‌کند میسیون‌های ایران همواره از سیاست اجتناب کرده‌اند و تنها هدفشان اصلاح امور اجتماعی بوده،<sup>۱</sup> ولی به نظر می‌رسد هدف آمریکای نوپا که از مشکلات خارجی و داخلی رها شده، چیزی جز «نوع‌دوستی» بوده است. اولین تلاش میسیون‌ها در ایران تأسیس مدارس جدید بود.<sup>۲</sup> با این‌که ویشارد و همکارانش معتقدند آمریکا ابداً انتظار منافع مادی از ایران ندارد، ولی در آن زمان معادل ۲۲۰۶۱۸ دلار کالا به ایران فروختند. دکتر پرکینز بنیان‌گذار کالج ارومیه نیز معتقد بود ایران شانس و استعداد تحول را دارد، اما تا زمانی که مردم با سواد نشوند چنین امری محال به نظر می‌رسد.<sup>۳</sup>

### ارتباطات رسمی و سیاسی

چنان‌که در پیشتر اشاره شد، زمانی که امیرکبیر در ۱۲۶۴ق به صدارت ناصرالدین شاه رسید، مصمم شد اصول روابط ایران با کشورهای خارجی را انتظام دهد.<sup>۴</sup> اولین اقدام او در این راه، دستور تأسیس ساختمان سفارت ایران در کشورهای دیگر بود؛ در همین راستا، سفارت‌خانه‌هایی در انگلیس، روسیه، فرانسه و عثمانی تأسیس شد. متقابلاً این کشورها توانستند در ایران سفارتخانه‌های دائمی دائر نمایند. امیرکبیر در جستجوی دولت ثالث نیرومندی بود که با ایران، روابط «عاری از چشمداشت و توقع استعماری» برقرار کند و در برابر انگلستان و روسیه، این دو حریف سیاسی ذی‌نفوذ در ایران به تضمین و پاسداری ایران برخیزد.<sup>۵</sup> او ایالات متحده آمریکا را که از جنگ‌های استقلال پیروز به درآمده و در این جنگ با انگلستان مشکلات جدی داشت، مناسب تشخیص داد.

۱. همان، ص ۲۵۷.

۲. غلامحسین صدری افشار، (بی‌تا)، سرگذشت سازمان‌ها و نهادهای علمی و آموزشی در ایران، بی‌جا: بی‌نا، ص ۱۳۱.

۳. بیست سال در ایران، ص ۲۹۰-۲۵۰.

۴. در دوران صدارت امیرکبیر وزارت امور خارجه تشکیلات نسبتاً منظمی یافت و صدور گذرنامه به صورت مرتبی درآمد و ثبت و ضبط مکاتبات سیاسی نظم جدیدی یافت. برای آگاهی بیشتر نک: محمد امیر شیخ نوری، (۱۳۸۶)، فراز و فرود/اصلاحات در عصر/امیرکبیر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص ۳۸۷-۴۱۰.

۵. محمد علی مهمید، (۱۳۶۱)، پژوهشی در تاریخ دیپلوماسی ایران، تهران: میترا، ص ۱۹۶.

کشوری که بسیار از ایران دور بود و به نظر می‌رسید اهداف استعماری هنوز در میان دولت‌مردانش رسوخ نیافته است. بنابراین در ۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م سفیر وقت ایران، میرزا محمدخان در عثمانی به دستور امیر کبیر مذاکرات سیاسی با سفیرایالات متحده آمریکا، جورج مارش<sup>۱</sup> را که در استانبول حضور داشت آغاز کرد که اسناد آن در وزارت امور خارجه آمریکا باقی است.<sup>۲</sup> در این سال عهدنامه‌ای به نام «عهدنامه دوستی و کشتی‌رانی»<sup>۳</sup> بین دو کشور امضا شد.

عهدنامه دوستی و کشتی‌رانی شامل یک مقدمه و هشت ماده بود، که به زبان‌های فارسی و فرانسه نوشته شد. ماده اول این قرارداد؛ دوستی پایدار دو دولت و دو ملت ایران و آمریکا را اعلام می‌کرد. ماده دوم، اصل آزادی بازرگانی تبعه دو کشور را محترم می‌شناسد. ماده سوم؛ حقوق گمرکی کالای صادره و وارده را بر قانون مورد توافق مقرر می‌کرد. ماده چهارم؛ کشتی‌های بازرگانی دو دولت را آزاد می‌کرد که با پرچم خودشان به بنادر و لنگرگاه‌های یکدیگر رفت و آمد کنند. حق کشتی‌رانی در رودخانه‌های دو طرف نیز آزاد بود. ماده پنجم؛ مبنی بر تأسیس سه کنسول خانه آمریکا در تهران، تبریز و بوشهر و سه کنسول خانه ایران در واشنگتن، بوستون و نیواورلئان است. ماده ششم؛ حق قانونی کنسولی به دو طرف، ماده هفتم؛ تغییرناپذیری در روابط دو کشور در صورت بروز جنگ با کشور ثالث و ماده هشتم؛ تصویب این قرارداد طی یک سال آینده را شامل می‌شد.<sup>۴</sup> یک ماه پس از امضای عهدنامه‌ی ایران و آمریکا، امیرکبیر معزول و مدتی بعد به قتل رسید.<sup>۵</sup> این عهدنامه به واسطه دخالت انگلیس در ایران به تصویب نرسید و ارتباط با

1. Gorge Marsh

۲. فریدون آدمیت، (۱۳۴۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: امیرکبیر، ص ۵۶۸.

۳. برای آگاهی بیشتر از مفاد عهدنامه دوستی و کشتی‌رانی نک: معاهدات و دیگر اسناد دولت متحده آمریکا، گردآورنده میلر، ج ۷، سند ۱۸۵.

۴. *امیرکبیر و ایران*، ص ۵۶۹.

۵. واقعه قتل امیرکبیر که حاصل دسیسه‌ها و سوء تفاهات بود، به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین اشتباه ناصرالدین شاه باشد. گرژن که از کنفرانس ارزنةالروم امیرکبیر را می‌شناخت می‌نویسد: «میرزا تقی‌خان متهم به هیچ گناهی نبود. شاه با کشتن خیانتکارانه او یکی از شریف‌ترین خدمتگزارانش را به تحریک رسواترین و فرومایه‌ترین افراد معدوم ساخت». برای آگاهی بیشتر از این دسیسه‌ها و سوء تفاهات نک: عباس امانت، «افول میرزا تقی‌خان امیرکبیر و محدوده قدرت صدراعظم در ایران عصر قاجار»، *مجله بین‌المللی مطالعات خاورمیانه*، ج ۲۳، ش ۴، نوامبر ۱۹۹۱، صص ۵۷۷-۵۹۹، انتشارات دانشگاه کمبریج.

## جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری ۷۱

آمریکا برای مدتی به فراموشی سپرده شد. وزیر مختار آمریکا کارول اسپنس<sup>۱</sup> می‌نویسد: «انگلیس نفوذ خود را در تهران به کار برد و دولت عهدنامه را تصویب و مبادله نمود».<sup>۲</sup> در حالی که امیرکبیر در پی جلب علاقه آمریکا به ایران به ویژه خلیج فارس بود، تا پیش از این ایران به هیچ دولت دیگری اجازه کشتی‌رانی در رودخانه‌های کشور را نداده بود. از نظر حقوق بین‌المللی این نکته جالب توجه است که ایران بدون تأمین حق مساوی آن امتیاز را نداد،<sup>۳</sup> ولی نباید این نکته را از نظر دور داشت، که در آن زمان ایران امکان قایقرانی در رودخانه‌های خودش را هم نداشت تا چه برسد که در رودخانه‌های سرزمین دوردستی چون آمریکا کشتی به آب بیندازد. ولی آنچه جلب توجه می‌کند، داشتن حقی مساوی برای دو کشور است که در سایر قراردادهای ایران با کشورهای دیگر به چشم نمی‌خورد. با وجود این ملاحظه‌کاری‌های دوران امیرکبیر، مدتی بعد و در دوران صدارت میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان،<sup>۴</sup> این حق به انگلیسی‌ها واگذار شد، بدون این‌که ایران بتواند چنین حقوق متقابلی به دست آورد.<sup>۵</sup>

با اوج‌گیری اختلافات ایران و انگلیس در ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۷ م بر سر مسئله هرات، ناصرالدین شاه دوباره به فکر ارتباط با آمریکا افتاد. انگلستان شرایط سنگینی را به ایران تحمیل کرد؛ فرخ خان امین‌الملک غفاری<sup>۶</sup> سفیر ایران در عثمانی با لرد سیریل رادکلیف سفیر انگلیس ملاقات کرد و پیشنهادات انگلیس را به ایران ارسال نمود. ناصرالدین شاه با این شرایط موافقت نکرد و به امین‌الدوله مأموریت داد با وزیر مختار آمریکا در استانبول وارد مذاکره شود و میانجی‌گری او را خواستار شود.<sup>۷</sup>

1. Carrol Spence

۲. امیرکبیر و ایران، ص ۵۷۰ به نقل از اسناد وزارت امور خارجه آمریکا، اسپنس به مارسی، ۲۵ نوامبر ۱۸۵۴.

۳. امیرکبیر و ایران، ص ۵۶۹؛ ابراهیم تیموری، (۱۳۶۳)، عصر بیخبری، تهران: اقبال، ص ۷۶.

۴. میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان اتابک اعظم.

۵. عصر بیخبری، ص ۷۷.

۶. فرخ خان امین‌الملک غفاری ملقب به امین‌الدوله در دربارهای اروپایی در زمان ناصرالدین شاه ایلچی بود. مجموعه اسناد و مدارک او اطلاعات مبسوطی از اوضاع ایران و تکاپوهای سیاسی این کشور به دست می‌دهد. برای آگاهی بیشتر از زندگانی امین‌الملک نک: فرخ خان امین‌الدوله، (۱۳۴۶)، مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله، قسمت اول مربوط به سال‌های ۱۲۴۹ تا ۱۲۷۳، به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی، تهران: دانشگاه تهران، صص ۱۰-۱.

۷. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، (۱۳۷۹)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر، ص ۱۵۵.

پیش از آن میرزا قاسم خان والی وزیرمختار ایران در سن پترزبورگ در ۱۳ جمادی‌الاول ۱۲۷۲ به وزارت خارجه ایران نوشت: «اگرچه با انگلیس عهد دوستی داریم، ولیکن آنها باطناً راضی نیستند که دولت آمریکا با دولت علیه ایران دوستی و تجارتی داشته باشد... بالجمله دولت آمریکا با دولت انگلیس باطناً خوب نیست و دولت انگلیس هم جمیع امورات خود را با دسیسه می‌گذراند و این هم در این ولایت مشهور است که اگر چه دولت آمریکا با انگلیس هم عهد است، لکن هر دو علیه همدیگر افکار دیگر دارند»<sup>۱</sup>.

میرزا محمدخان دوباره مأمور شد به طور «خیلی محرمانه» با وزیرمختار ممالک متحده آمریکا در دربار عثمانی درباره خرید چند کشتی جنگی و استخدام ملوانان آمریکایی گفتگو کند.<sup>۲</sup> میرزا قاسم خان والی، سفیر ایران در سن پترزبورگ نیز از سوی دولت ایران دستور یافت با وزیرمختار آمریکا در روسیه تماس گرفته و تمایل دولت خود را برای ایجاد ارتباط با آمریکا اعلام کند. میرزا قاسم خان والی، طی گزارشی تمایل آمریکا را به برقراری این رابطه به اطلاع حکام ایران رساند و متذکر شد: «انگلیسی‌ها باطناً با ایجاد این روابط مخالفند و احتمالاً در راه ایجاد این روابط اختلال خواهند نمود».<sup>۳</sup> هم‌زمان با این اقدامات جان داودخان<sup>۴</sup> از جانب دولت ایران عازم وین شد تا با وزیر مختار آمریکا در اتریش نیز گفتگویی داشته باشد. جان داودخان به هنری جکسون،<sup>۵</sup> سفیر کبیر آمریکا در وین خاطر نشان کرد: «شاه، دولت ممالک متحده آمریکا را به آزادیخواهی و اقتدار می‌شناسد».<sup>۶</sup> به هر ترتیب عهدنامه‌ای در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۷۳/۱۳ دسامبر ۱۸۵۶ در هشت ماده، به نام «قرارداد مودت و تجارت»<sup>۷</sup> بین دولت ایران و «دولت جمهوری ینگی دنیای شمالی» امضاء شد.

۱. مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله، ص ۹۹؛ به نقل از نشریه وزارت امور خارجه دوره دوم شماره چهارم دی ماه ۱۳۳۵، ص ۱۵.

۲. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۹۸؛ پژوهشی در تاریخ دیپلوماسی ایران، ص ۲۵۱-۲۵۰.

۳. حاجی واشنگتن، ص ۱۱.

۴. مسیو جان داود خان از مترجمان ارمنی سفارت ایران در عثمانی بود که از سوی امیرکبیر مأموریت یافت تا در راستای عدم استفاده از استادان و معلمان روسی و انگلیسی، از میان معلمان سایر دول اروپائی چون فرانسه، اتریش و آلمان به یافتن و انتخاب معلمان واجد شرایط کار و استخدام در دارالفنون بپردازد.

5. Henry Jackson

۶. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۹۹.

۷. ناسخ‌التواریخ، صص ۳۷۹-۳۷۶.

### جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری ۷۳

ماده هفتم این عهدنامه ناظر بر این بود که: «از آنجا که دولت ایران بحریه جنگی در خلیج فارس ندارد، نیروی دریایی ممالک متحده آمریکا کشتی‌های تجاری ایران را تحت حمایت خودش بگیرد» و ماده هشتم، مبنی بر این که: «دولت ممالک متحده آمریکا وعده می‌دهد که جزایر و بنادر ایران را از تسلط دولت انگلیس و تعرض امام مسقط حفاظت نماید».<sup>۱</sup>

شرایط ایران برای قرارداد، کار را برای آمریکا سخت کرد؛ چرا که می‌بایست جزایر خلیج فارس از جمله بحرین را از انگلیس برای ایران پس می‌گرفت. همچنین به کشتی‌های ایرانی حق می‌داد که پرچم آمریکا را برافرازند و آمریکا متعهد می‌شد نیروی دریایی در خلیج فارس مستقر کند و از کشتی‌های ایرانی حمایت نماید.<sup>۲</sup>

قرارداد دوم ایران و آمریکا که تحت عنوان «عهدنامه مودت و تجارت» بسته شد، زمانی امضا گشت که ایران از لحاظ سیاسی به ورشکستگی کامل نزدیک می‌شد. انگلیس با سیاست حفظ هندوستان قصد جدا کردن هرات از ایران را داشت و ایران زیر بار تحمیلات سنگین انگلیس نمی‌رفت. بنابراین ناصرالدین شاه و میرزا آقاخان نوری صدراعظم دست به دامان قدرت سوم شدند. نامه‌های صدراعظم به امین‌الدوله، ایلچی کبیر دولت در این زمان، حاکی از خوش باوری و بلندپروازی‌های صدراعظم و استیصال دولت در برابر انگلیس است. صدراعظم اصرار دارد قرارداد ایران و آمریکا بدون دو مورد آخر امضا نشود. ولی میرزا آقاخان متذکر می‌شود اگر انگلیس از مواضع خود درباره هرات دست برندارد، اجازه دارد عهدنامه آمریکا را بدون آن دو فصل منعقد نماید.<sup>۳</sup>

نامه‌های صدراعظم به امین‌الدوله، حاکی از امیدی بود که ایران به رابطه سیاسی با آمریکا بسته بود. ولی آمریکا که از سیاست انزوایطلبانه مونروئه<sup>۴</sup> پیروی می‌کرد، برای ورود

۱. برای آگاهی بیشتر از مفاد این قرارداد نک: محمد جعفر خورموجی حقایق نگار، (۱۳۶۳)، حقایق/الخبار ناصری، به کوشش سید حسین خدیو جم، تهران: نی، صص ۲۲۵-۲۲۱.

۲. تاریخ ایران و جهان، ج ۲، ص ۶۰۴.

۳. اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله، ص ۳۹.

۴. جیمس مونروئه James Monroue 1831-1758 رئیس جمهور ایالات متحده در دسامبر ۱۸۲۲ به عنوان اقدامی در مقابل کمک احتمالی «اتحاد مقدس» [پروس، اتریش و روسیه] به اسپانیا جهت تسلط مجدد بر مستعمرات آمریکایی خود در کنگره نطقی ایراد کرد و در آن چند نکته را که شالوده دکنترین مونروئه Monroue Doctrine مبنی بر عدم دخالت اروپاییان در قاره آمریکا است اعلام نمود. این نکات عبارت بودند از: قاره آمریکا میدانی برای استعمار دولت‌های اروپایی نیست، روش سیاسی اروپا با آمریکا متفاوت

به درگیری ایران با انگلیس تردید داشت و سرانجام اقدامات فرخ خان برای میانجی قرار دادن آمریکا بی نتیجه ماند.<sup>۱</sup> نامه‌های صدراعظم به رمز است که امروزه خوانده شده‌اند و تأکید بر بستن پیمان سیاسی با ایالات متحده دارند.<sup>۲</sup>

در نامه‌ای که جکسون به میرزا محمد خان نوشت، صریحاً اعلام کرد پذیرفتن شرایط پیشنهادی ایران ناممکن است.<sup>۳</sup> در این زمان میرزا ملکم خان<sup>۴</sup> به استانبول رفت که سفیر ایران را در کار بستن قرارداد، یاری کند. ملکم سعی کرد دلایل قانع کننده‌ای به اسپنس، سفیر آمریکا مقیم در عثمانی ارائه دهد،<sup>۵</sup> ولی اسپنس خیلی صریح اعلام کرد که اگر ایران از سه ماده مذکور دست بردارد، امیدی به بستن عهدنامه نیست. اسپنس به ملکم، خاطر نشان کرد سرنوشت آمریکا این است که تجارت آینده جهان را قبضه خواهد کرد و دوستی آن کشور برای دولت و ملت ایران سودمند خواهد بود.<sup>۶</sup>

سرانجام با حذف موارد پیشنهادی ایران از قرارداد، در ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۶ م قرارداد ایران و آمریکا با نام «عهدنامه مودت و تجارت» با امضای فرخ خان امین‌الدوله و اسپنس به تأیید دو دولت رسید. مواد این قرارداد تنها ناظر به امور کنسولی و بازرگانی بود و ارزش آن طرحی که در ۱۲۶۷ ق که در زمان امیرکبیر امضا شد را نداشت. حتی آزادی کشتی‌رانی

---

است، آمریکا در هیچ کدام از اموری که مربوط به اروپا و مستعمرات آن است مداخله نخواهد کرد، آمریکا در هیچ جنگی که مربوط به اروپا است مداخله نخواهد کرد؛ نک: علی آقابخشی و مینو افشاری، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، ص ۳۶۶؛ همچنین داریوش آشوری، (۱۳۷۰)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید، صص ۱۵۷-۱۵۶.

۱. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۱۵۶.

۲. اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله، ص ۲۳۷، ۲۲۵، ۲۲۱.

۳. امیرکبیر و ایران، ص ۵۷۲.

۴. میرزا ملکم خان از طایفه ارمنی جلفای اصفهان بود و اولین خط تلگراف را در تهران راه‌اندازی کرد، سفیر ایران در دربارهای خارجی نیز بود. برای آگاهی بیشتر از زندگی ملکم خان نک: فرشته نورائی، (۱۳۵۲)، تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، تهران: فرانکلین، ص ۲۷-۱۲؛ امیرکبیر و ایران، ص ۲۱۶ به بعد.

۵. ملکم سعی کرد با پررنگ کردن اختلافات ایالات متحده با انگلیس، توجه این کشور را برای انعقاد قرارداد مطابق خواسته ایران جلب کند. برای اطلاع بیشتر از این مذاکرات نک: امیرکبیر و ایران، ص ۵۷۳ به نقل از اسناد وزارت امور خارجه آمریکا، نامه اسپنس به مارسی، ۲۲ ژوئن ۱۸۵۶.

۶. امیرکبیر و ایران، ص ۵۷۱ تا ۵۷۳ و تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا، ص ۱۰۲.

جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری ۷۵

و عدم تأثیر حالت جنگ با کشور ثالث از آن حذف گردید.<sup>۱</sup> ولی شرایط «دول کامله الوداد»<sup>۲</sup> برای هر دو کشور منظور شد.

سرانجام کشور فرانسه به رهبری ناپلئون سوم،<sup>۳</sup> در مسأله ایران و انگلیس وساطت کرد. امپراتور فرانسه خود را بی غرض‌ترین دوست ایران می‌شمرد.<sup>۴</sup> وی به ایران وعده داد زمانی که مرد بیمار اروپا<sup>۵</sup> بمیرد، ایران می‌تواند بر عراق تسلط یابد و راه حیاتی بریتانیا به خلیج فارس را در اختیار گیرد. این سخنان خیال‌پردازانه، در عوض از دست رفتن هرات فکر تصرف عراق عثمانی را در مخیله شاه می‌پروراند.<sup>۶</sup> بنابراین فرخ خان امین‌الدوله مأموریت یافت به پاریس برود و با وساطت ناپلئون سوم، عهدنامه پاریس بین ایران و انگلیس امضا شد و افغانستان از ایران جدا گشت.<sup>۷</sup>

۱. برای آگاهی بیشتر نک: حقایق/الخبار ناصری، صص ۲۲۵-۲۲۱.

۲. دول کامله الوداد یا دولت بهین دوست Most Favoured Nation اصطلاحی است که در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی به کار می‌رود. در این گونه قراردادهای گنجانده می‌شود که به موجب آن دو طرف از امتیاز دولت کامله الوداد برخوردار می‌شوند. به معنی این‌که هر گاه هر یک از دو طرف از تعرفه‌های گمرکی دولت سومی بکاهد یا بدان امتیازهای بازرگانی دیگری بدهد طرف دیگر خود به خود از آن امتیازها برخوردار خواهد شد؛ نک: داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۱۶۷؛ با وجود این استفاده از این شرط تابع توانایی وامکانات کشور است. زیرا در شرایطی که از لحاظ اقتصادی تشابهی نباشد، کشور قدرتمندتر از اعمال این شرط بهره بیشتری می‌برد. نک: غلامرضا علی بابایی، (۱۳۸۲)، فرهنگ سیاسی، تهران: آشیان، صص ۴۴۱-۴۴۰.

۳. ناپلئون سوم برادرزاده ناپلئون کبیر بود که طی انقلابات ۱۸۴۸م که سراسر اروپا را فراگرفت و در یک کودتای نظامی علیه فیلیپ لویی اورلئان، به قدرت رسید. نک: هربرت ا. ل. فیشر، (۱۳۴۶)، تاریخ اروپا/از انقلاب فرانسه، ج ۳، ترجمه ع وحید مازندرانی، تهران: مروی، صص ۲۱۱، ۷۷ و ...

۴. عباس امانت، (۱۳۸۳)، قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نی، ص ۴۶۴؛ به نقل از/سناد فرخ خان امین‌الدوله، ج ۱، صص ۴۱۱-۴۰۹؛ سواد ترجمه مذاکرات ناپلئون سوم امپراتور فرانسه با فرخ خان آوریل ۱۸۵۷.

۵. مرد بیمار اروپا، لقبی بود که در قرن نوزدهم برای امپراتوری رو به زوال عثمانی استفاده می‌شد. عثمانی که روزگاری نیرومندترین امپراتوری آسیایی اروپایی بود، دوران زوال خود را آغاز کرده بود. کشورهای قدرتمند اروپایی هم برای بدست آوردن قلمروها و مستعمرات جدید با یکدیگر بر سر عثمانی جدال داشتند.

۶. قبله عالم، ص ۴۶۵.

۷. /سناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله، ج ۱، ص ۲۷.

تسلیم و شکست ایران در برابر انگلیس، بیشتر به دلیل نداشتن نیروی دریایی در خلیج فارس بود. ناصرالدین شاه در ۱۲۷۸ ق مصمم شد، نیروی دریایی در خلیج فارس ایجاد کند. از این رو، در همین سال حسنعلی خان گروسی امیر نظام را مأمور کرد در این زمینه تحقیقات لازم به عمل آورد. او کشتی‌های ساخت انگلستان را مناسب‌تر از سایر کشتی‌ها، و صاحب منصبان و ملوانان آمریکایی را بهتر از سایرین دانست.<sup>۱</sup>

تا ۱۲۹۹ ق/۱۸۸۲ م با وجود قراردادی که بین ایران و آمریکا وجود داشت، سفیری بین دو کشور مبادله نشد. در این سال، کنگره آمریکا با ایجاد سفارتخانه در ایران موافقت کرد. در فاصله انعقاد قرارداد تا تصویب حضور سفیر در ایران، نویسندگان ایرانی از تاریخ آمریکا مطالبی نوشته بودند و ذهن شاه و درباریان و مردم با سواد دیگر چندان با ایالات متحده آمریکا ناآشنا نبود.<sup>۲</sup>

قرارداد ایران و آمریکا در طرز رفتار طرفین با سفرا و نمایندگان سیاسی یکدیگر، مبتنی بر همان اصول قرارداد ترکمنچای<sup>۳</sup> میان ایران و روسیه بود. بعد از امضای این قرارداد دولت آمریکا سفیری در ایران تعیین نکرد و سفارت‌های انگلستان و روسیه و فرانسه در تهران از منافع اتباع آمریکایی در ایران حمایت می‌کردند.<sup>۴</sup> نطقی که در دفاع از این پیمان در کنگره آمریکا خوانده شد، به این شرح است: «ضرورت تأسیس روابط سیاسی بین جوان‌ترین و نیرومندترین دولت روی زمین از یک طرف و کهنسال‌ترین ملل جهان که روزی مقتدرترین و برومندترین دولت‌ها بوده است، می‌بایست محرز و تأمین گردد».<sup>۵</sup>

۱. تاریخ ایران و جهان، ج ۲، ص ۵۹۰.

۲. برای اطلاع بیشتر نک: میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه (به کوشش)، (۱۲۸۸ ق)، تاریخ/انکشاف ینگى دنیا، بی‌جا: چاپ سنگی.

۳. قرارداد ترکمنچای ننگین‌ترین قرارداد ایران در زمان فتحعلی شاه بود که در ۱۸۲۸ م / ۱۲۴۳ ق در شانزده فصل و یک قرارداد تجارتي الحاقی امضا گشت و پس از آن، تمام قراردادهای ایران بر اساس آن بسته شد. برای آگاهی از مفاد این قرارداد نک: ایران در دوره سلطنت قاجار، صص ۱۰۴-۱۰۱.

۴. ساموئل گریر بنجامین، (۱۳۶۳)، ایران و ایرانیان، ترجمه حسین کردپچه، تهران: گلبانگ، صص ۲۱-۱۹.

۵. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۱۱۷.

## اولین سفارت

آمریکا که در این سال‌ها به مشکلات داخلی خود فائق آمده، در تکاپوی رابطه با کشورهای دیگر بود و به واسطه صنعت رو به رشد، به دنبال بازار فروش و مواد خام کارخانه‌های خود بود؛ برای دوستی با ایران انگیزه‌های قوی داشت. در حالی که تا پیش از ناصرالدین شاه، دو مرتبه سعی کرده بود با این کشور ارتباط برقرار کند، اما بی‌نتیجه مانده بود؛ این بار خود آمریکایی‌ها پا پیش نهادند و بالاخره در ۱۳۰۰ ق/ ۱۸۸۳ م، اولین سفیر ایالات متحده آمریکا به نام ساموئل بنجامین<sup>۱</sup> به ایران آمد.

بنجامین از سفر خود شرحی به نام ایران و ایرانیان بر جای گذاشت، که در آن به صورتی کامل از ایرانیان، سیاست و اقتصاد ایشان سخن گفته است؛ حتی فهرست کاملی از محصولات کشاورزی ایران به دست می‌دهد: «سؤالی که خیلی‌ها از من می‌کنند این است که آیا آمریکا هم می‌تواند در تجارت خارجی ایران شرکت کرده و کالاهایی را صادر و وارد نماید؟ باید دانست که ایرانی‌ها نسبت به کالای آمریکایی غریب و ناآشنا نیستند. هر ساله صدها هزار دلار کالای مختلف از قبیل منسوجات نخی، عروسک، سیگار، بخاری و چراغ و غیره وارد ایران می‌شود. منتها به طور غیرمستقیم و از طریق کشورهای اروپایی. اروپایی‌ها کالای آمریکایی را که خریداری کرده‌اند با قیمت بیشتری به ایرانی‌ها می‌فروشند و بدین ترتیب کالای آمریکایی گران‌تر از کالای مشابه اروپایی به دست ایرانی‌ها می‌رسد و در نتیجه بازار خوبی نمی‌تواند پیدا کند. بهترین راه برای افتتاح مناسبات تجاری با ایران آن است که به طور مستقیم و بدون واسطه با آنها وارد معامله شویم».<sup>۲</sup>

دولت ایران نیز حسینقلی خان معتمدالوزاره صدرالسلطنه، هفتمین پسر آقاخان اعتمادالدوله صدراعظم را در ۱۳۰۵ ق/ ۱۸۸۸ م به ینگه دنیا فرستاد. حسینقلی خان با هیأت ایرانی متشکل از میرزا محمود خان منشی و مترجم و عبدالعلیخان آجودان باشی عازم آمریکا شد. حسینقلی خان که در جریان پیشرفت و قدرت روز افزون آمریکا قرار گرفته می‌نویسد: «اینها به اعتقاد بنده به تسخیر کره ارض هم قانع نمی‌شوند، اراضی که سهل است کره ماه را هم می‌خواهند. گریختگان ممالک خارجه در آمریکا جمع شدند و طرح این دولت متحده را در انداختند که اساسش از سد سکندر قوی‌تر و ارتفاعش از سطح محدب فلک رفیع‌تر است».<sup>۳</sup> وی چنان به آمریکا دل بستگی پیدا کرد که تنها راه

1. Sumuel Greere Benjamin

۲. ایران و ایرانیان، ص ۳۲۶.

۳. همان، ص ۱۰۴.

پیشرفت ایران را در ادامه این دوستی می‌دانست: «اگر ملاحظه صرفه می‌کنید سفارت برلن و وینه و لندن و پاریس را اگر موقوف می‌کنید بکنید و سفارت ینگه دنیا را متوقف نکنید و دوستی با این مملکت را فوز عظیم بشمارید».<sup>۱</sup>

از دیگر سفرای ایران در آمریکا، می‌توان از اسحاق خان مفخم الدوله و مرتضی خان ممتازالملک نام برد. اسحاق خان مفخم الدوله از ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۲ ش وزیر مختار و نماینده سیاسی ایران در ایالات متحده آمریکا بود. او تقریباً بیش از چهار سال این سمت را در اختیار داشت. همچنین مرتضی خان ممتازالملک نیز چهارمین نماینده سیاسی ایران در آمریکا بود که از ۱۲۸۳ ماموریت خویش را آغاز و تا ۱۲۸۸ ش، تقریباً بیش از پنج سال وزیر مختار ایران در آمریکا بود.

بنجامین نیز پس از حدود دو سال زندگی در ایران، پس از یک درگیری لفظی با سفیر آلمان و وزیر امور خارجه ایران، میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک،<sup>۲</sup> به آمریکا بازگشت. سفیر دیگر آمریکا، وینستون<sup>۳</sup> در ۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۶ م به ایران آمد که دستور داشت قرارداد ساخت راه‌آهن را با ایران به امضا برساند، اما به دلیل دخالت انگلیس این امر محقق نشد.<sup>۴</sup> سفیر دیگر ادوارد اسپنسر پرات<sup>۵</sup> بود که یک سال پس از وینستون به ایران آمد، در زمان سفارت وی، طرح قراردادی درباره تأسیس بانک و احداث راه‌آهن و بستن سد بر روی رودخانه و اکتشاف و استخراج معادن بین ایران و شرکت‌های آمریکایی تهیه شد؛ اما به علت مخالفت عوامل وابسته به روس و انگلیس، از اجرای آن جلوگیری به عمل آمد.<sup>۶</sup> پرات در مطبوعات آن روزگار ایران، به صداقت و مورد اعتماد و وثوق بودن شهرت داشت.<sup>۷</sup> پیشکش کردن اسب‌های اصطبل سلطنتی، میزبانی کامران میرزا نایب‌السلطنه<sup>۸</sup> و

۱. همان، ص ۱۰۶.

۲. میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک وزیر امور خارجه ایران مشهور به وزیر خارج از امور.

3. Winston

۴. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، (۱۳۴۵)، *روزنامه خاطرات*، با حواشی و فهارس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، مورخ ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۰۳، ص ۴۸۲.

5. Edward Spencer Pratt

۶. *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ص ۸۷۳.

۷. *تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا*، ص ۱۶۴؛ به نقل از روزنامه شرف شماره ۴۷ محرم ۱۳۰۴.

۸. کامران میرزا نایب‌السلطنه پسر سوم ناصرالدین شاه مناصب حکومت تهران، نیابت سلطنت، وزارت جنگ، فرماندهی کل قوا، ریاست عالی‌ه نظمی و ریاست احتساب تهران را دارا بود. کامران میرزا در بیشتر

## جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری ۷۹

دیدار شخصیت‌های کشوری و لشکری با سفیر آمریکا همه حکایت از تمایل زیاد دولت‌مردان جهت ارتباط با آمریکا و سفیر این کشور داشت.<sup>۱</sup> چنان که شاه هم در زمان پرات، بیش از هر زمانی به ارتباط با آمریکا علاقه نشان می‌داد. پرات می‌توانست محرمانه به حضور شاه برسد<sup>۲</sup> و از طرف رئیس جمهور آمریکا آلبوم عکسی برای شاه ببرد.<sup>۳</sup> حتی خواهر وی در مهمانی انیس الدوله<sup>۴</sup> شرکت نمود.<sup>۵</sup>

شاه از پرات خواست راه‌های استفاده از امکانات دولت و ملت آمریکا را به او نشان دهد. پرات ضمن ستایش مردم کشورش به غیرت و همت و علاقه به اختراعات و هنر و معرفت، راهکارهایی را به شاه پیشنهاد نمود. اول این‌که مهندسی از آمریکا بیاید و معادن ایران را ارزش‌گذاری کند. دیگر این‌که ایران بذر محصولات کشاورزی خود را از آمریکا وارد کند، ساخت راه‌آهن نیز ضروری ذکر شد. ولی نکته مهم نامه این است: «چون صفات اهل امریک را می‌شناسم باید عرض کنم که مداخله در کارهای خارجه به امیدی می‌کنند که عوض زحمت و وقت و کار خود منفعت کلی حاصل شود و برای تعیین این منفعت امیدوارند که قبل از شروع کار ضمانت قابل به ایشان داده شود». ناصرالدین شاه که از نامه پرات خوشحال شده بود و آن را از روی «کمال دولتخواهی و خیرخواهی» پنداشت، تصمیم گرفت پیشنهادات وی را عمل کند.

---

برنامه‌های رسمی حاضر بود و به نظر می‌رسید او ولیعهد ناصرالدین شاه است؛ نک: یوشیدا ماساهارا، (۱۳۷۳)، *سفرنامه نخستین فرستاده ژاپن به ایران*، ترجمه هاشم رجب زاده، مشهد: آستان قدس رضوی، صص ۱۹۱-۱۹۲.

۱. *تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا*، صص ۱۶۶-۱۶۸ برگرفته از مجله بررسی‌های تاریخی، س ۲، ش ۲، تیرماه ۱۳۴۶، صص ۱۹۰-۱۹۸.

۲. *روزنامه خاطرات*، ص ۵۲۰، مورخ ۲ ربیع‌الاول ۱۳۰۴.

۳. همان، مورخ ۳ ربیع‌الاول ۱۳۰۵، ص ۵۹۶.

۴. انیس الدوله به عنوان ملکه دربار ایران شناخته می‌شد و همسران سفرا و ملکه‌های سایر کشورها، تحف کشورشان را برای او می‌فرستادند؛ نک: *خاطرات تاج‌الدوله*، (۱۳۶۱)، به کوشش منصوره اتحادیه مافی و سیروس سعدونیان، تهران: تاریخ ایران، ص ۲۵؛ همچنین کارلا سرنا، (۱۳۶۲)، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: نو، صص ۱۷۶-۱۷۴ و همچنین دوستعلی خان معیرالممالک، (۱۳۶۱)، *یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه*، تهران: تاریخ ایران، ص ۶۰.

۵. *روزنامه خاطرات*، مورخ ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۰۵، ص ۶۰۰.

۶. *تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا*، ص ۱۷۱.

پس از ناکام ماندن اولین طرح قرارداد میان ایران و ایالات متحده آمریکا و پایان دوران سفارت پرات، مهم‌ترین حادثه در تاریخ روابط این دو کشور، تا پیش از ترور ناصرالدین شاه، ماجرای پناهندگی حاج سیاح به سفارت آمریکا در تهران است که موجب ناراحتی شاه شد.

### نتیجه

سیاست استفاده از نیروی سوم، از جمله برنامه‌های دولت‌مردان قاجار در شرایط ضعف این حکومت در برابر مداخلات دولت‌های روسیه و انگلیس بود. سرآغاز تلاش برای بهره برداری از این نیرو، به منظور پوشش ناتوانی در مواجهه با اقتدارگرایی و نفوذ نظامی و سیاسی دولت‌های مذکور به جنگ‌های روس و ایران بر می‌گردد که البته با موفقیت همراه نبود. با این حال، توسعه دامنه نفوذ انگلستان و روسیه در بحبوحه روی کار آمدن ناصرالدین شاه که عملاً در تمامی امورات داخلی و حتی اندرونی شاه نیز دخالت می‌کردند، شاه جوان که متأثر از صدراعظم مدبر خود بود را بر آن داشت تا به توصیه امیرکبیر و با انگیزه کوتاه کردن دست دولت‌های استعماری روس و انگلیس، از دولت آمریکا که هم فاقد سوابق منفی و استعماری در حافظه تاریخی ایرانیان بود و هم بُعد مسافت بیم‌درگیری‌های احتمالی را منتفی می‌کرد، ضمن این که آوازه پیشرفت‌ها و توانائی‌های اقتصادی و علمی این کشور در نشریات آن روزگار برای دولت‌مردان امری آشنا بود، بخواهند تا با دولت ایران باب ارتباطات سیاسی را بگشایند.

با وجود تمهیدات و اقداماتی که به همین منظور به عمل آمد، به دلایل متعدد از ابتدا این روابط به آسانی برقرار نشد. با عزل و قتل امیرکبیر نیز برای مدتی این مسئله در بوته فراموشی افتاد، اما احساس ضرورت بر ایجاد این ارتباط و از همه مهم‌تر، انگیزه‌های تازه دولت آمریکا در انجام عمل متقابل درخواست ارتباط بین دو کشور در سطوح دیپلماتیک، به بار نشست. رسمیت یافتن این ارتباطات به بهانه ساماندهی وضعیت آمریکائیان، مسیونر مذهبی حاضر در ایران بود که به مرور با گسترش توجهات طرفین به روابط با یکدیگر، زمینه عقد قراردادهای متعددی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم ساخت که با مداخلات مخربانه انگلستان به نتیجه نرسید و با ترور ناصرالدین شاه نیز به فراموشی سپرده شد.

جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری ۸۱

بدین ترتیب بار دیگر تلاش دولت‌مردان ایرانی برای استفاده از نیروی سوم به منظور کاهش فشارهای زورمدارانه انگلیس و روسیه، راه به جایی نبرد و همچنان منافع استعماری به عنوان اصلی‌ترین برنامه این دولت‌ها، فضای سیاسی و اجتماعی ایران را تحت تأثیر قرار داد.

## فهرست منابع و مآخذ

- اتحادیه، منصوره و سیروس سعدوندیان، (۱۳۶۱)، *خاطرات تاج‌الدوله*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اصفهانیان، کریم و قدرت الله روشنی، (۱۳۴۶)، *مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله*، قسمت اول مربوط به سال‌های ۱۲۴۹ تا ۱۲۷۳، تهران: دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۲۸۸)، *تاریخ اکتشاف ینگگی دنیا*، بی‌جا: چاپ سنگی.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۳)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح دکتر محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۴۵)، *روزنامه خاطرات*، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_، بی‌تا، *مآثر الآثار*، تهران: کتابخانه سنایی.
- امانت، عباس، (۱۹۹۱م)، *افول میرزا تقی خان امیرکبیر و محدوده قدرت صدراعظم در ایران عصر قاجار*، مجله بین‌المللی مطالعات خاورمیانه، ج ۲۳، ش ۴، کمبریج: دانشگاه کمبریج، صص ۵۹۹-۵۷۷.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، *قبله عالم*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: کارنامه.
- آدمیت، فریدون، (۱۳۴۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: امیرکبیر.
- آشوری، داریوش، (۱۳۷۰)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری، (۱۳۷۹)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
- بررسی‌های تاریخی، س ۲، ش ۲، ۱۳۴۶، صص ۱۹۰-۱۸۹.
- بنجامین، ساموئل گیر، (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه حسین کرد بچه، تهران: جاویدان.
- بینا، علی اکبر، (۱۳۴۸)، *تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- پاکروان، امینه، (۱۳۷۶)، *عباس میرزا و فتحعلی شاه*، ترجمه صفیه روحی، تهران: چشمه.
- تیموری، ابراهیم، (۱۳۶۳)، *عصر بی‌خبری*، تهران: اقبال.
- جونز، سرهارد فورد، (۱۳۸۶)، *سفرنامه جونز*، ترجمه مانی صالحی، تهران: ثالث.
- خورموجی حقایق نگار، محمد جعفر، (۱۳۶۳)، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش سید حسین خدیوچم، تهران: نی.
- جهانگیر میرزا، (۱۳۲۷)، *تاریخ نو*، به کوشش عباس اقبال، تهران: علمی.
- دلد، اسکندر، (۱۳۶۷)، *حاجی واشنگتن*، تهران: گلفام.
- راثین، اسماعیل، (۱۳۶۲)، *حقوق بگیران انگلیس در ایران*، تهران: جاویدان.
- رضازاده ملک، رحیم، (۱۳۵۰)، *تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا*، تهران: طهوری.
- ژوبر، پی‌یر، (۱۳۴۷)، *مسافرت در ارمنستان و ایران*، ترجمه علی قلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سپهر، لسان‌الملک، (۱۳۲۷)، *ناسخ التواریخ*، به کوشش جهانگیر قائم مقامی، تهران: امیرکبیر.
- سرنا، کارلا، (۱۳۶۲)، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: نو.
- شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۷۴)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: مدبر.
- شوشتری، عبداللطیف، (۱۳۶۳)، *تحفه العالم*، با مقدمه و تصحیح صمد موحد، تهران: طهوری.

### جستاری بر تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و آمریکا در عصر ناصری ۸۳

- شیخ نوری، محمدمیر، (۱۳۸۶)، *فراز و فرود اصلاحات در عصر امیرکبیر*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صدری افشار، غلامحسین، (بی تا)، *سرگذشت سازمان ها و نهادهای علمی و آموزشی در ایران*، بی جا: بی نا.
- علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۸۲)، *فرهنگ سیاسی*، تهران: آشیان.
- فیشر، هربرت ا. ل. (۱۳۴۶)، *تاریخ اروپا از انقلاب فرانسه*، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: مروی.
- کازرونی شیرازی، میرزاحمد صالح، (۱۳۴۷)، *سفرنامه میرزا صالح شیرازی*، به کوشش اسماعیل رائین، تهران: روزن.
- کرزن، جرج، (۱۳۵۰)، *ایران و قضیه ایران*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کیا، مهرداد، (۲۰۰۱)، *زندگی شخصی ناصرالدین شاه و زندگی و خاطرات اعتمادالسلطنه*، مطالعات خاورمیانه، ج ۳۷، ش ۱.
- لانگلس، لویی، (۱۳۸۹)، *ایران فتحعلی شاه*، ترجمه عبدالمحمد روح بخشان، تهران: کتاب روشن.
- ماساهازا، یوشیدا، (۱۳۷۳)، *سفرنامه نخستین فرستاده ژاپن به ایران*، ترجمه هاشم رجب زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- معیرالممالک، دوستعلی خان، (۱۳۶۱)، *یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه*، تهران: تاریخ ایران.
- ملک ساسانی، احمدخان، (۱۳۷۹)، *سیاستگران دوره قاجار*، به کوشش سید مرتضی آل داوود، تهران: مگستان.
- موریه، جیمز، (۱۳۷۸)، *حاجی بابا اصفهانی*، ترجمه مهدی افشار، تهران: زرین.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، *سفرنامه جیمز موریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- مهمید، محمدعلی، (۱۳۶۱)، *پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران*، تهران: میترا.
- میلر، معاهدات و دیگر اسناد دولت آمریکا، ج ۷، سند ۱۸۵.
- نشریه وزارت امور خارجه، دوره دوم، شماره چهارم، ۱۳۳۵.
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۴)، *تاریخ ایران و جهان*، تهران: هما.
- نورایی، فرشته، (۱۳۵۲)، *تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله*، تهران: فرانکلین.
- واتسن، گرنث، (۱۳۴۷)، *تاریخ ایران در دوره قاجاریه*، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: سیمرغ.
- ویشارد، جان، (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، تهران: نوین.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۷۹)، *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران: امیرکبیر.